

با بستر رفتن

Andare a letto

 Espen Stranger-Johannessen

 Aakanee

 Shir Ahmad Laiwal

 2

 دری prs / Italiano it



او بسیار خسته است.

...

Lui è stanchissimo.



این وقت بستر رفتن است.

...

È ora di andare a letto.



او به تشدب می رود.

...

Va in bagno.



او دندان هی خود را بورس می کند.

...

Si lava i denti.



او به داخل لاق خواب می رود.

...

Va nella camera da letto.



او گلابی خود را می کشد.

...

Si spoglia.



او در تخت مي نشيد.

...

Si siede sul letto.



او تلویزیون را می بیند.

...

Guarda la TV.



او تلويزيون را خاموش مي کند.

...

Spegne la TV.



او به خواب می رود.

...

Si addormenta.



او خواب می بیند.

...

Sogna.



LIDA Stories

lidastories.net

با بستر رفتن

Andare a letto

 Espen Stranger-Johannessen

 Aakanee

 Shir Ahmad Laiwal (prs), Andrea Ciasca Marra (it)

